

بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر شادمانی با تکیه بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر کرمان)

فریدون وحید^۱، شاپور بهیان^۲، سید علی هاشمیان فر^۳، سپیده حضرتی^۴

چکیده:

امروزه پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده‌ی بهینه از نیروی انسانی آن جامعه است و یکی از مهمترین اصول در حوزه‌ی مدیریت شهری توجه به مقوله‌ی شادی و نشاط شهروندان است. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان شادمانی و عوامل جامعه‌شناختی (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، هویت اجتماعی و آنومی اجتماعی) مؤثر بر آن در بین افراد بالای ۱۸ سال در شهر کرمان است. روش پژوهش با توجه به ماهیت متغیرها و روابط بین آنها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری همه‌ی افراد بالای ۱۸ سال در شهر کرمان، ۵۰۸۹۸۴ بودند که از این تعداد ۳۸۴ نفر براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از آزمون شادمانی آکسفورد پایایی (۰/۹۱۷) و پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته‌ی پایایی (۰/۸۷۶) استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که: میانگین شادمانی افراد بالای ۱۸ سال شهر کرمان، در سطح متوسط است و براساس نتایج رگرسیون، متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیونی (احساس امنیت

vahida@dehaghan.ac.ir

sbehyan@yahoo.com

seyedalhashemianfar@yahoo.com

sepideh_hazrati@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۱

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (نویسنده مسئول)

تاریخ وصول: ۹۴/۴/۲۴

اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، هویت اجتماعی، سن و درآمد) ۳۹ درصد از واریانس متغیر شادمانی افراد را تبیین کردند و از بین متغیرهای مستقل، متغیر احساس امنیت اجتماعی، بیشترین نقش را در تبیین شادمانی افراد داشت و سایر متغیرها با اینکه به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر شادمانی تأثیرگذار بودند ولی به صورت پیچیده‌ای در تعامل با متغیر احساس امنیت اجتماعی قرار داشتند.

کلید واژه‌ها: شادمانی، احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، آنومی اجتماعی

مقدمه و بیان مسأله

گسترش شتابان شهرنشینی که با رواج مدرنیسم در غرب همراه بوده جوامع در حال توسعه از جمله ایران و شهرهای آن را تحت تأثیر قرار داده به طوری که شهرنشینی در کشور ایران به سرعت رشد کرده و براساس نتایج سرشماری جمعیت در سال ۱۳۹۰ بیش از ۷۱ درصد آن شهرنشین است. نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشوری هستند که خود را به عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند اما، نواحی شهری با چالش‌های مهمی در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت‌های اجتماعی، ناامنی، بیکاری، ترافیک و... روبه‌رو هستند.

واقعیت این است که دلزدگی و بی‌هویتی انسان در جریان ماشینی شدن زندگی، عدم تجانس و ناهمگونی شهرها به دلیل بافت نامتجانس ساکنان آن، خرده‌فرهنگ فقر و غیره از پیامدهایی هستند که امروزه در شهرها بیشتر دیده می‌شود و همه‌ی این عوامل شهرها را به فضای مستعدی برای کاهش میزان شادمانی تبدیل کرده است و از آنجا که احساس شادمانی فعالیت‌های مفید انسانی را بر می‌انگیزد، خلاقیت را تقویت می‌کند، روابط اجتماعی را تسهیل، احساس امنیت، آرامش و قدرت تصمیم‌گیری در افراد را تقویت می‌کند و موجب احساس اعتماد و کیفیت تعامل با دیگران می‌شود، به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های مدیریت شهری بویژه در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده

است.

اکثر انسانها و شاید همه‌ی آنها می‌خواهند شاد باشند زیرا انسان از دیرباز به دنبال این بوده است که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند. این در حالی است که فشارهای مختلفی در زندگی معمول انسان امروز از قبیل فشارهای فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی و جمعیتی وجود دارد که همگی باعث کاهش رضایت و شادمانی افراد در زندگی روزمره می‌شود. شادمانی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کل زندگی‌اش اطلاق می‌گردد (وینهوون، ۱۹۸۸) که از یک سو متأثر از ساختارهای متعدد جامعه بوده و از سوی دیگر تأثیرگذار بر فرآیند توسعه و تعالی جامعه است. به همین دلیل این موضوع در نیمه‌ی قرن بیستم به عنوان یکی از موضوعات مورد بررسی روانشناسان و برخی جامعه‌شناسان مطرح شده است.

اگر به روند شهرنشینی در شهر کرمان، با دیدی جامعه‌شناسانه، نظر بیفکنیم در می‌یابیم که شهر کرمان به دلیل نزدیکی به مرزهای شرقی به علت مهاجرت از کشورهای همسایه بنا به آمار غیررسمی برای مثال صد و ده هزار نفر مجاز و صد و سی و پنج هزار نفر غیر مجاز، مهاجرت از شهرستان‌های استان به کرمان به شدت افزایش یافته که با خود مسائل و مشکلات زیادی را به همراه داشته؛ رشد بی‌رویه‌ی حاشیه‌نشینی از جمله عوامل شیوع افسردگی است که به صورت بیمارگونه از متوسط کشوری بالاتر است (سند توسعه سلامت استان کرمان ۱۳۹۰: ۹۶). کرمان شهری است که بنا به سنتی بودن بافت اجتماعی و تعصبات قومی (معین‌الدینی و صنعت خواه، ۱۳۹۲) شرایط ویژه اجتماعی را داراست که ضرورت مطالعه بروی پدیده شادمانی را بنا به تحولات مذکور پر رنگ تر می‌سازد؛ حال با توجه به نیاز جوامع امروزی به شادمانی این سؤال مطرح می‌شود که: آیا بین عوامل جامعه‌شناختی (سرمایه‌ی اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، آنومی اجتماعی و هویت اجتماعی) با میزان شادمانی افراد در شهر کرمان رابطه وجود دارد؟ و شادمانی افراد بالای ۱۸ سال در شهر کرمان چقدر است؟

پیشینه‌ی تحقیق

در پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه‌ی اقتصادی بر شادی جوانان» با حجم نمونه‌ی ۳۸۰ نفری، یافته‌های تحقیق گویای آن است که میزان شادی پاسخگویان به طور کلی در حد متوسط است. یافته‌های تحلیل چند متغیره نشان دادند که رابطه‌ی متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و تحصیلات با شادی معنادار نیست در حالی که متغیرهای سرمایه‌ی اقتصادی و اشتغال با شادی رابطه‌ی معناداری دارند ولی فقط هفت درصد میزان شادی را تبیین می‌کنند.

کیا و امیری (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۵-۶۴ سال شهر اهواز با حجم نمونه‌ی ۳۸۴ نفر و شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و اتفاقی به نتایج زیر دست یافتند:

بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی (در هر دو بعد ذهنی و عینی)، احساس عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، پایبندی به اعتقادات مذهبی، میزان رضایت از خدمات شهری و نشاط اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معنادار و بین احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌هنجاری و نشاط اجتماعی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. همچنین رگرسیون چند متغیره نشان داد که ۰/۵۱ از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل پیش‌بینی بوده است.

وحیدا و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان نشاط عمومی در زندگی اجتماعی- فرهنگی: مطالعه‌ای با رویکرد تئوری کیفیت اجتماعی در شهر اردبیل با حجم نمونه‌ی ۳۹۹ نفر، با روش تحقیق پیمایشی- مقطعی و با استفاده از پرسشنامه‌ای ۳۲ سؤالی به این نتایج رسیدند؛ میانگین نشاط در مجموع با مقدار ۳/۷۲ به طور معناداری از حد متوسط بالاتر است. طبق یافته‌های این تحقیق، بین کیفیت اجتماعی و نشاط عمومی همبستگی و رابطه‌ی معناداری وجود دارد که بیانگر این واقعیت است که در این پژوهش تئوری کیفیت اجتماعی هم به عنوان تئوری و هم به عنوان رویکرد برای تبیین نشاط عمومی، توسط نتایج این پژوهش، حمایت می‌شود. در این پژوهش کیفیت اجتماعی، به چهار

حوزه اشاره دارد: امنیت اقتصادی، انسجام اجتماعی، ادغام اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی.

صنعت خواه و دادخواه فر (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد احساس شادمانی دانشجویان این هدف به بررسی رابطه‌ی اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت و احساس شادمانی پرداختند. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان (به تعداد ۱۶۴۰۳) در سال ۹۳-۱۳۹۲ که تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه‌ی انتخاب شده‌اند است و پرسشنامه شامل دو بخش که برای سنجش احساس شادمانی از پرسشنامه‌ی آکسفورد استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که رابطه بین ابعاد برون‌گروهی، مشارکت خیریه‌ای و احساس شادمانی معنادار نیست و تنها مشارکت خیریه‌ای درون‌گروهی دارای تأثیرات مستقیم و مثبت بر احساس شادمانی است و ضریب بتای استاندارد (۰/۱۳۲) است. دومین متغیری که بیشترین تأثیر را بر احساس شادمانی دارد، اعتماد نهادی است؛ ضریب بتای استاندارد آن برابر با (۰/۲۱۹) است. روابط دیگر متغیرهای اجتماعی با احساس شادمانی در قالب مدل رگرسیونی چند متغیره در تحقیق ارائه شده است.

آناند و همکارانش (۲۰۱۱)، در تحقیق خود در تلاشند تا رابطه‌ی شادی را با همبستگی اجتماعی مورد بررسی قرار دهند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که یکدلی، ارزش خود، اهداف شخصی، امنیت و استرس از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت از زندگی هستند و رضایت از زندگی نیز تأثیر بسزایی بر شادی افراد بر جای می‌گذارد یعنی این تأثیر غیرمستقیم است.

لیونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان «تحقیق بر روی شادی: اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی»، انجام داده‌اند. این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر شادی است. طبق نظریه‌ی کلمن (۱۹۸۸)، سه بعد سرمایه‌ی اجتماعی عبارتند از: ۱- اعتماد، الزامات و تعهدات؛ ۲- شبکه‌های اطلاعاتی؛ ۳- هنجارها و ضمانت اجرایی. محققان با

استفاده از رگرسیون داده‌های پیمایش اجتماع عمومی کانادا (۲۰۰۳) نشان دادند که عنصری همچون تعلق‌پذیری، حتی پس از کنترل ویژگی‌های زمینه‌ای عمده، رابطه‌ی معناداری با شادی دارد. یافته‌های دیگر، این موضوع را تأیید کرد که شادمانی بخش مهمی در پیش‌بینی شادمانی است.

چانگ^۱ (۲۰۰۹)، پژوهشی با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و شادی ذهنی در تایوان» انجام داده است. هدف از این پژوهش آزمون پیش‌بینی‌های نظری سرمایه‌ی اجتماعی و بررسی رابطه‌ی میان اشکال مختلف سرمایه‌ی اجتماعی و شادی ذهنی در تایوان است. یافته‌ها اساساً با ویژگی‌هایی ارتباط دارند که از طریق مدل سرمایه‌ی اجتماعی به دست می‌آید و همچنین تأثیرات تک تک اجزای متفاوت سرمایه‌ی اجتماعی بر شادی ذهنی مشخص شده‌اند که عبارتند از: مشارکت داشتن در سازمان‌های غیر منفعت‌طلبانه، داوطلبانه، حضور در اجتماعات و اعتماد.

اسنوپ^۲ (۲۰۰۸)، تحقیقی با عنوان «مذهبی بودن و شادکامی در سه کشور» انجام داد. وی در این تحقیق در پی این بود که تأثیر مذهب را بر شادکامی بررسی کند و برای این کار او در مورد ارزشهای جهانی در سه کشور آمریکا، هلند و دانمارک در سال ۲۰۰۰ تحقیق کرد. وی از هفت شاخص خود گزارشی برای مذهبی بودن استفاده کرد و شادکامی را تنها با یک سؤال در مورد میزان رضایت از زندگی سنجید. همبستگی مربوط به آمریکا با مقدار ۰/۱۳ بیشترین معناداری، سپس در هلند و دانمارک هر کدام با مقدار ۰/۰۵ بی‌معنا بود.

از تحقیقات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای گوناگونی بر شادمانی اثرگذار هستند، ولی از آنجا که نتایج این تحقیق‌ها متفاوت است و با عنایت به اینکه تعداد مطالعات صورت گرفته درباره‌ی شادمانی در ایران هنوز زیاد نیستند و تعداد محدودی از این مطالعات در شهرهای بزرگ صورت گرفته است، انجام پژوهش حاضر ضروری به نظر می‌رسد.

1 - Chang

2 - Snowp

مبانی نظری

در تعریف شادمانی، رویکردهای گوناگونی وجود دارد؛ برخی به احساسات و عواطف توجه خاصی نشان می‌دهند و شادی را احساسات یا هیجانات مثبت قلمداد می‌کنند، مانند برادبورن^۱ که شادمانی را چنین تعریف می‌کند: میزان احساسات مثبت (خوشی و لذت) منهای احساسات منفی (ترس، استرس، دلهره و...) بعضی نیز تعریف شناختی را از شادمانی ارائه می‌دهند. در این دسته از تعاریف، ارزیابی مثبت و رضایت از کل زندگی مطرح است. در تعاریفی نیز از ترکیب این دو تعریف استفاده می‌شود. آنچه مسلم است، این است که شادمانی به طور کلی حداقل از سه جزء تشکیل شده است: وجود هیجانات مثبت، نبود تأثیرات منفی و رضایت. هر یک از سه جزء یاد شده قسمت مهمی از ساختمان شادمانی را تشکیل می‌دهند. دو مؤلفه‌ی اول، منعکس‌کننده‌ی جنبه‌های عاطفی است و به خوشی و لذت مربوط می‌شود؛ در حالی که مؤلفه‌ی سوم عمدتاً شناختی است و بر اساس ارزیابی از اوضاع زندگی فرد در حال و گذشته‌ی اوست. اجزای مربوط به خوشی و لذت شادی به افزایش احساسات مثبت و کاهش احساسات منفی اشاره دارد؛ اما در زمینه مؤلفه‌ی شناختی شادی، ناهمگونی نسبی وجود دارد. این مؤلفه به دستیابی به هدف با تأکید بر رضایت از زندگی مربوط می‌شود (گروبر^۲، ۲۰۱۱). جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف از شادمانی را وینهون به دست می‌دهد: شادمانی به درجه یا میزانی اطلاق می‌شود که شخص به وسیله‌ی آن درباره‌ی مطلوب بودن کیفیت کلی زندگی خود قضاوت می‌کند؛ به عبارت دیگر، شادمانی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (وینهون، ۱۹۸۴). وینهون کیفیت زندگی آشکار یک جامعه (برای نمونه مدت زمان شادی مردم در زندگی) را که ارجاع به رویکرد خروجی اجتماعی^۳ دارد، بر کیفیت زندگی پنداشته شده (نظیر شاخص توسعه‌ی انسانی) که به رویکرد ورودی اجتماعی^۴ بر می‌گردد، ترجیح می‌دهد (وینهون، ۲۰۰۵: ۶۱). از نظر

1 Bradburn

2 Gruber

3 - Societal Output

4 - Societal Input

وینهنون در رویکرد اجتماعی، یکی از مسائلی که وجود دارد مسأله‌ی نیازهاست و اینکه آیا کالاها و خدمات موجود، براساس نیازها شکل گرفته است یا خیر. مسأله‌ی دیگر این است که چه شرایطی زندگی بهتر را فراهم می‌آورد. به نظر وینهنون با این رویکرد، زندگی بدتر را می‌توان شناخت، ولی زندگی بهتر را نه. تعیین حداقل‌ها نیز (نظیر تعیین سطح حداقل درآمد) در این حوزه به همین ویژگی ارجاع دارد. وینهنون رویکردهای سنجش کیفیت زندگی جوامع را در جدول زیر خلاصه کرده است:

جدول شماره ۱: رویکردهای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در جوامع

گونه‌های مفهومی	پنداشته شده	آشکار
ظواهر قابل مشاهده	حضور شرایط فرض شده برای یک زندگی خوب مثل:	شکوفایی شهروندان همان طور که آشکار است:
	- وفور اقتصادی نظیر CNP	سلامت:
	- آزادی سیاسی نظیر حقوق بشر	- فیزیکی
	- برابری اجتماعی نظیر برابری درآمد	- روانی
	- دستیابی به دانش مثل نرخ باسوادی	شادمانی
شاخصهای فراگیر و بسیط	- شاخص توسعه‌ی انسانی	تعداد سال‌های زندگی شاد داشتن
	- شاخص رشد اجتماعی	

منبع: وینهنون، ۲۰۰۵: ۶۴

به نظر وینهنون درجه‌ای که ساکنان یک کشور احساس شادمانی می‌کنند با راه‌های متفاوتی می‌تواند ارزیابی شود: به طور غیر مستقیم با برداشت از رفتارهایشان، و به طور مستقیم با این پرسش که آنها تا چه اندازه در زندگی‌شان احساس شادمانی می‌کنند. به نظر وینهنون، در طول تاریخ، عالمان اجتماعی روش نخست را ترجیح می‌دادند ولی امروزه روشن شده است تنها راه دوم است که بدین منظور معتبر و ماندنی‌تر است. یکی از راه‌های غیر مستقیم اندازه‌گیری شادمانی (از طریق رفتار انسان‌ها)، نرخ خودکشی به عنوان معرف عدم شادمانی است. این سنت به دوره‌ی دورکیم (۱۸۹۷) بر می‌گردد. در

این دوره، ظهور پیوسته‌ی خودکشی در جوامع غربی قرن بیستم بدین گونه تعبیر می‌شود که مدرنیزاسیون کیفیت زندگی را کاهش داده است؛ البته به نظر وینهون شیوع خودکشی می‌تواند وابسته به چیزهای دیگری باشد. امروزه در جوامع غربی، نرخ بالای خودکشی ممکن است سبب تابو نبودن آن باشد و یا به سبب اینکه فناوری پزشکی، مرگ طبیعی را به تعویق انداخته است (وینهون، ۲۰۰۵ : ۷۰).

از نظر دورکیم «آنومی» یا آشفتگی اجتماعی می‌تواند نظم و امنیت جامعه را بر هم زده و احساس ناامنی و ناامیدی را بر افراد تحمیل نماید، به نظر وی «در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار» آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها، آنومی با یک وضعیت بی حد و حصر به وجود می‌آید. از آنجا که آرزوهای بی حد و حصر نمی‌توانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی پیش می‌آید (رفیع‌پور، ۱۳۷۸ : ۳۵).

احساس امنیت فرایندهای روانی و اجتماعی است که صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه اکثر افراد جامعه براساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن نقش اساسی دارند (بیات، ۱۳۸۸ : ۱۶). آنتونی گیدنز ادعا می‌کند که نیاز به داشتن احساس امنیت یا پرهیز از اضطراب در روابط اجتماعی، نه یک پدیده‌ی شناختی بلکه یک پدیده‌ی عاطفی است که در ناخودآگاه انسان ریشه دارد و او آن را (امنیت وجودی) می‌نامد.

گیدنز معتقد است مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است اما در عین حال خطرات و ناامنی‌های دیگری را جایگزین ساخته است. از جمله عوامل تهدیدکننده‌ی شادمانی از نظر گیدنز، تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن جنگ، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی است. از جمله عوامل تأمین‌کننده‌ی شادمانی از نظر گیدنز را می‌توان اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و وانهادن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، و دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه دانست (گیدنز، ۱۳۷۷ :

(۱۱۰).

برخی نظریات جامعه‌شناسی هم، پدیده‌ی شادمانی را در ارتباط با نظام‌های چهارگانه، یعنی نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مطرح می‌کنند. طبق این دیدگاه، چنانچه هر یک از چهار نظام اصلی جامعه، پاسخگوی مؤثر علایق افضل (علقه‌ی مادی، امنیتی، ارتباطی و شناختی) فرد و جامعه باشد، نوعی احساس مثبت ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز شادمانی افراد است؛ یعنی کارکرد صحیح حوزه‌ی اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است. همین‌طور حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس هم‌بستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام می‌شوند (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷).

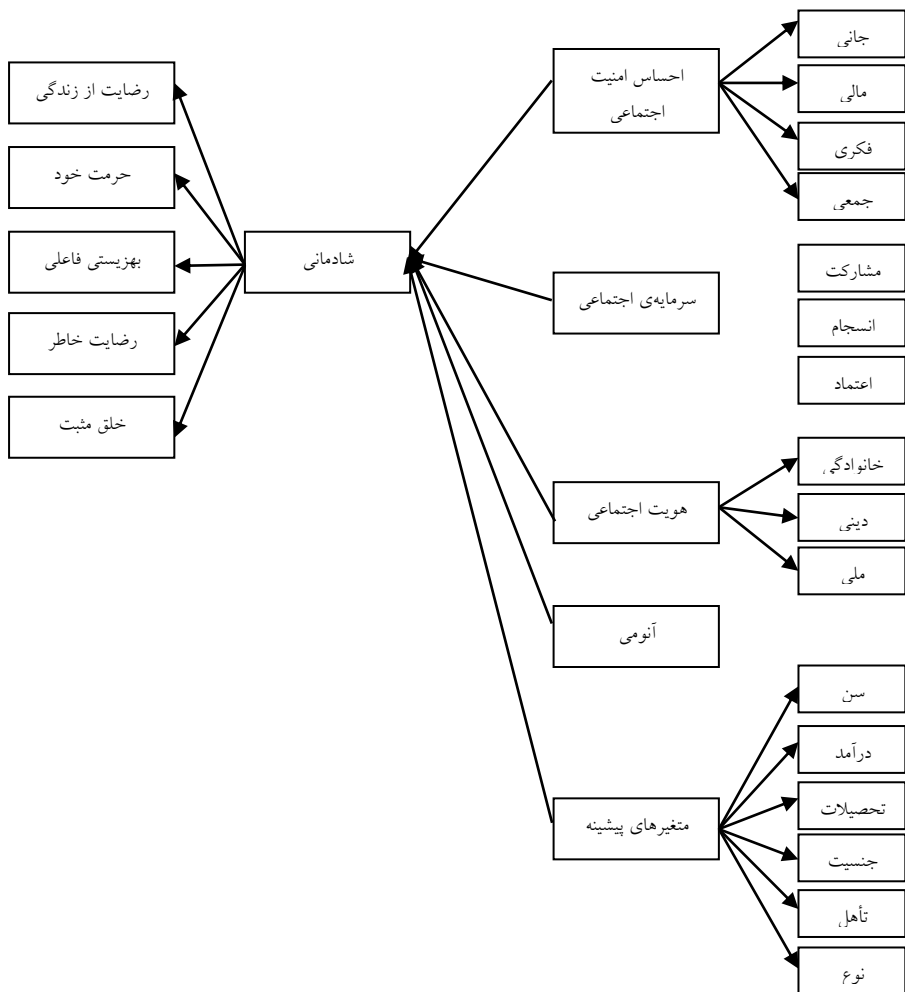
در ارتباط با این مسأله سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی پر اهمیت و چند وجهی است و امروزه به عنوان یکی از شاخص‌های رشد و توسعه در هر نظام و سازمان اجتماعی و شرط لازم برای بسط و گسترش انسجام، همبستگی و مشارکت اجتماعی و نیز اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) به حساب می‌آید.

جیمز کلمن سرمایه‌ی اجتماعی را به وسیله‌ی کارکردش تعریف نموده است. به نظر او سرمایه‌ی اجتماعی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه جنبه‌های متفاوت ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرد (رازنفیلد، ۲۰۰۱، ۲۸۴).

نظریه‌ی احساسات جاناناتان ترنر یکی دیگر از نظریاتی است که در این پژوهش به عنوان مبانی نظری در نظر گرفته شده است. ترنر نظریه‌های موجود در جامعه‌شناسی احساسات را به پنج دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از رهیافت‌های نمایشی، ساختاری، تعامل‌گرایی نمادین، مناسکی و مبادله. در رهیافت تعامل‌گرایی نمادین، احساسات اساساً حاصل تعامل اجتماعی هستند و بر طبق جهان‌های اجتماعی و فرهنگی که به آن تعلق دارند، متفاوتند بنابراین به طور مداوم تغییر می‌کنند. در طی تعامل، تفاوت‌های بین احساسات، گسترش می‌یابد و احساسات به طور مداوم از طریق رودرویی‌ها و ارتباط باز تعریف

می‌شوند (کترنوزی، ۲۰۰۰: ۲۵۲۳).

نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل نظری تحقیق نمایش می‌دهد.



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیات

- بین احساس امنیت اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه‌ی اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

- بین‌انومی اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
- بین هویت اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
- متغیرهای احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، انومی اجتماعی و هویت اجتماعی، قدرت پیش‌بینی شادمانی افراد را دارند.
- بین متغیرهای پیشینه‌ای با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش تحقیق توصیفی-همبستگی است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از دو شیوه‌ی کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، به گردآوری اطلاعات توصیفی از کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌ها و سالنامه‌های آماری پرداخته شده و در بخش میدانی، گردآوری اطلاعات از طریق نمونه‌گیری و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد و تعداد حجم نمونه با توجه به جامعه‌ی آماری افراد بالای ۱۸ سال در شهر کرمان (۵۰۸۹۸۴)، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد که با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است. متغیرهای اصلی در این مقاله، شادمانی (متغیر وابسته) و احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، هویت اجتماعی و انومی اجتماع (متغیرهای مستقل) هستند.

در این پژوهش منظور از شادمانی درجه یا میزانی است که شخص درباره‌ی مطلوبیت کل زندگی خود قضاوت می‌کند که چقدر زندگی خود را دوست دارد. برای سنجش شادمانی از آزمون شادمانی آکسفورد استفاده شده است. این مقیاس را آرگایل (۱۹۸۹) ساخت که شامل ۲۹ سؤال است که هر سؤال شامل چهار عبارت است که از صفر تا سه نمره می‌گیرند بنابراین نمره‌ی هر آزمونی، از ۰ تا ۸۷ در نوسان است. برای سنجش متغیرهای مستقل مطابق با اهداف و فرضیه‌های پژوهش سؤالاتی در قالب پرسشنامه طراحی شد. در این پژوهش احساس امنیت اجتماعی و چهار مؤلفه (احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت فکری و احساس امنیت جمعی) با استفاده از

۲۴ گویه، سرمایه‌ی اجتماعی و سه مؤلفه (مشارکت، اعتماد و انسجام) ۱۸ گویه، هویت اجتماعی و سه مؤلفه (هویت خانوادگی، هویت دینی و هویت ملی) ۱۸ گویه و متغیر آنومی اجتماعی ۶ گویه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجش شده‌اند. در پژوهش حاضر از اعتبار سازه‌ای و صوری و برای به دست آوردن پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ برای متغیرهای وابسته (شادمانی) و مستقل و ابعاد آنها در جدول زیر آمده است.

جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ برای تخمین پایایی

نوع متغیر	مفهوم	تعداد گویه	مقیاس	آلفای کرونباخ
شادمانی (وابسته)	شادمانی	۲۹	فاصله‌ای	۰/۹۱
احساس امنیت (مستقل)	احساس امنیت جانی	۶	فاصله‌ای	۰/۷۴
	احساس امنیت مالی	۶	فاصله‌ای	۰/۷۵
	احساس امنیت جمعی	۶	فاصله‌ای	۰/۷۶
	احساس امنیت فکری	۶	فاصله‌ای	۰/۷۰
سرمایه اجتماعی (مستقل)	مشارکت	۶	فاصله‌ای	۰/۷۴
	اعتماد	۶	فاصله‌ای	۰/۷۴
	انسجام	۶	فاصله‌ای	۰/۷۳
آنومی (مستقل)	آنومی	۶	فاصله‌ای	۰/۷۰
هویت اجتماعی (مستقل)	هویت خانوادگی	۶	فاصله‌ای	۰/۷۱
	هویت دینی	۶	فاصله‌ای	۰/۹۳
	هویت ملی	۶	فاصله‌ای	۰/۸۱

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی: یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که از تعداد کل پاسخگویان ۳۸۴ نفر، ۲۰۱ نفر (۵۲/۳) زن و ۱۸۳ نفر (۴۷/۷) مرد بوده و پایین‌ترین سن پاسخگویان ۱۵-۲۵ سال بیشترین فراوانی (۴۲/۲) و بالاترین سن ۶۰ سال به بالا کمترین فراوانی (۱/۸) را به خود اختصاص داده است. همچنین از ۳۸۴ نفر پاسخگو، ۲۰۷ نفر (۵۳/۹۱) متأهل و ۱۷۱ نفر

(۴۴/۵) مجرد بوده‌اند. بیشترین فراوانی تحصیلی پاسخگویان مربوط به مقطع بالاتر از دیپلم یعنی (۲۷۰) نفر (۷۰/۳) است و کمترین میزان مربوط به زیر دیپلم ۱۲ نفر (۳/۱) بوده است. همچنین نتایج به دست آمده از وضعیت نوع فعالیت پاسخگویان، نشان می‌دهد بیشترین شاغل ۱۵۰ نفر (۳۹/۱) و کمترین میزان هم مربوط به ۲ نفر (۰/۵) دانشجو است. نتایج به دست آمده از وضعیت درآمد پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی زیر ۵۰۰ هزار تومان (۵۲/۱) و کمترین فراوانی ۲۵۰۰۰۰۰-۲۰۰۱۰۰۰۰ هزار تومان است.

یافته‌های استنباطی

در این قسمت از تحقیق پس از بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای پیشین (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی و هویت اجتماعی) و متغیر ملاک (شادمانی)، با استفاده از آزمون کولموگوروف-اسمیرنف یک نمونه‌ای برای آزمون متغیرها و فرضیه‌های تحقیق، تحلیل‌های دومتغیره صورت گرفته و با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی مثل ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است.

جدول ۳: مقدار ضرایب همبستگی محاسبه شده نمرات نمونه‌ی مورد مطالعه بر حسب مؤلفه‌های

(احساس امنیت اجتماعی با میزان شادمانی)

بین احساس امنیت مالی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

بین احساس امنیت جانی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

بین احساس امنیت فکری با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

بین احساس امنیت جمعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

بین احساس امنیت اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

احساس امنیت فکری	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت اجتماعی	شادمانی		
.754**	.812**	.833**	.017	.868**	1	ضریب همبستگی	شادمانی
.000	.000	.000	.733	.000		سطح معناداری	

نتایج جدول شماره ۳ ضرایب همبستگی محاسبه شده، احساس امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن با میزان شادمانی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج: ضریب همبستگی احساس امنیت اجتماعی کل با شادمانی برابر با ($r=0/868$, $sig=0/000$) که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و مستقیم این دو متغیر است؛ احساس امنیت جانی با شادمانی ($r=0/017$, $sig=0/733$) که نشان دهنده‌ی عدم رابطه بین این دو متغیر است؛ احساس امنیت مالی با شادمانی ($r=0/833$, $sig=0/000$) که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار این دو متغیر است؛ احساس امنیت جمعی با شادمانی ($sig=0/000$)، که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار این دو متغیر است؛ احساس امنیت فکری با شادمانی ($r=0/812$, $sig=0/000$) که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار این دو متغیر است.

جدول ۴: مقدار ضرایب همبستگی محاسبه شده نمرات نمونه‌ی مورد مطالعه بر حسب مؤلفه‌های (سرمایه‌ی اجتماعی با میزان شادمانی)

- بین مشارکت اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
- بین انسجام اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه‌ی اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

شادمانی	سرمایه اجتماعی	انسجام	اعتماد	مشارکت	
1	.429**	.440**	.319**	.223**	ضریب پیرسون
	.000	.000	.000	.000	سطح معناداری

* $P \leq 0/05$ ** $P \leq 0/01$

نتایج جدول شماره ۴ ضرایب همبستگی محاسبه شده سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با میزان شادمانی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج: ضریب همبستگی سرمایه‌ی اجتماعی کل با شادمانی برابر با ($r=0/429$, $sig=0/000$) که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی

مثبت و مستقیم این دو متغیر است؛ مشارکت با شادمانی ($r=0/233$, $sig=0/000$) که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار بین این دو متغیر است؛ اعتماد با شادمانی ($r=0/319$, $sig=0/000$) که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار این دو متغیر است؛ انسجام با شادمانی ($r=0/440$, $sig=0/000$) که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار این دو متغیر است.

جدول ۵: مقدار ضرایب همبستگی محاسبه شده نمرات نمونه‌ی مورد مطالعه بر حسب مؤلفه‌های (هویت اجتماعی با میزان شادمانی)

بین هویت خانوادگی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
 بین هویت دینی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
 بین هویت ملی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.
 بین هویت اجتماعی با میزان شادمانی رابطه وجود دارد.

هویت اجتماعی	هویت ملی	هویت دینی	هویت خانوادگی	شادمانی		
.298**	.244**	.218**	.205**	1	ضریب پیرسون	شادمانی
.000	.000	.000	.000		سطح معناداری	

نتایج جدول شماره‌ی ۵ ضرایب همبستگی محاسبه شده هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن با میزان شادمانی را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج: ضریب همبستگی هویت اجتماعی کل با شادمانی برابر با ($r=0/298$, $sig=0/000$) که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و مستقیم این دو متغیر است؛ هویت خانوادگی با شادمانی ($r=0/205$, $sig=0/000$) که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار بین این دو متغیر است؛ هویت دینی با شادمانی ($r=0/218$, $sig=0/000$) که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار این دو متغیر است، هویت ملی با شادمانی ($r=0/244$, $sig=0/000$) که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار این دو متغیر است.

به طور کلی با توجه به ضرایب همبستگی محاسبه شده نمرات شادمانی از طریق نمرات متغیرهای پیش‌بین قابل پیش‌بینی بوده و همبستگی به دست آمده واقعی و فقط یک درصد احتمال دارد تصادفی باشد و یا در نتیجه خطای نمونه‌گیری به دست آمده باشد.

جدول ۶: رابطه بین آنومی اجتماعی و شادمانی

نوع آزمون	تعداد	R	سطح معناداری (P)
همبستگی پیرسون	۳۸۴	۰/۰۷۴	۰/۱۴۹

فرضیه‌ی سوم برای بررسی رابطه‌ی بین آنومی اجتماعی و شادمانی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که براساس یافته‌های این آزمون بین آنومی اجتماعی و شادمانی رابطه وجود ندارد و این فرضیه محقق مورد تأیید واقع نمی‌شود.

جدول ۷: تحلیل واریانس Y (شادمانی) بر پایه متغیرهای مستقل (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) ضریب همبستگی چند متغیری (R) و مجذور آن (R²)

منابع	Ss	df	Ms	F	P	R	R ²
رگرسیون	۵۱۹۴۵/۸۰۲	۴	۱۲۹۸۶/۴۵۱	۲۹۹/۸۴۷	۰/۰۰۰	۰/۶۲۸	۰/۳۹۴
باقیمانده	۱۶۴۱۴/۵۹۹	۳۷۹	۴۳/۳۱۰				
کل	۶۸۳۶۰/۴۰۱	۳۸۴					

جدول شماره‌ی ۷ مقدار f محاسبه شده نمونه‌ی مورد مطالعه متغیر شادمانی بر متغیرهای (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) را نمایش می‌دهد. با توجه به نسبت F به دست آمده که در سطح بالاتر از ۹۵٪ معنادار است رگرسیون متغیر ملاک بر چهار متغیر پیش‌بین معنادار است و می‌توان گفت احتمال اینکه نسبت F به دست آمده به طور تصادفی حاصل شده باشد کمتر از ۰/۰۵ است. با توجه به این جدول و مقدار R² به دست آمده به عنوان ضریب همبستگی چند متغیری می‌توان گفت که حدود ۳۹ درصد واریانس متغیر شادمانی توسط ترکیب خطی چهار متغیر پیش‌بینی کننده (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) به دست آمده است. در نتیجه فرضیه‌ی اصلی پژوهش مورد تأیید قرار

می‌گیرد یعنی از طریق متغیرهای (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) می‌توان متغیر شادمانی را پیش‌بینی کرد؛ همچنین با مقایسه‌ی ضرایب همبستگی هر یک از متغیرهای (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) به طور جداگانه با شادمانی و ضریب همبستگی چند متغیری به دست آمده (R) می‌توان گفت متغیرهای پیش‌بین پژوهش کنونی به طور ترکیبی و توأم واریانس بیشتری از شادمانی را تبیین می‌کنند. با توجه به خروجی حاصل از تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر ملاک شادمانی هستند و مقدار نسبت F محاسبه شده که معادل ۲۹۹/۸۴۷ است این رابطه‌ی معنا دار را در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ تأیید می‌کند، در نتیجه فرضیه‌ی پژوهشی که بیانگر امکان پیش‌بینی متغیر شادمانی توسط متغیرهای (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) با بیش از ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید قرار می‌گیرد، از سوی دیگر در پاسخ به این سؤال اساسی پژوهش که چند درصد از واریانس متغیر شادمانی توسط چهار متغیر (احساس امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، آنومی اجتماعی، هویت اجتماعی) تفسیر می‌گردد، می‌توان گفت حدود ۳۹ درصد تغییرات نمرات شادمانی توسط این چهار متغیر توجیه می‌گردد.

جدول ۸: رابطه بین سن، درآمد و شادمانی

متغیر	نوع آزمون	تعداد	R	سطح معناداری (P)
سن	همبستگی پیرسون	۳۸۴	۰/۱۵۰	۰/۰۰۳
درآمد	همبستگی پیرسون	۳۸۴	۰/۲۰۲	۰/۰۰۴

فرضیه‌ی ششم برای بررسی رابطه‌ی متغیرهای پیشینه‌ای (سن، درآمد) و شادمانی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که براساس یافته‌های این آزمون بین (سن، درآمد) و شادمانی رابطه وجود دارد و این فرضیه‌های محقق مورد تأیید واقع می‌شوند.

جدول ۹: میانگین نمره‌ی شادمانی افراد بر حسب تحصیلات، نوع فعالیت

متغیر	نوع آزمون	قضات	F	سطح معناداری
تحصیلات	تحلیل واریانس F	رد فرضیه‌ی تحقیق	۰/۳۰۴	۰/۷۳۸
نوع فعالیت	تحلیل واریانس F	تأیید فرضیه‌ی تحقیق	۳/۱۵۰	۰/۰۰۸

فرضیه‌ی ششم برای بررسی رابطه‌ی متغیرهای پیشینه‌ای (تحصیلات) با توجه به مقدار آماده F و سطح معناداری در جدول Anova با اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه‌ی تحقیق را رد کرد؛ به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت میانگین نمره‌ی شادمانی افراد بر حسب تحصیلات متفاوت نیست.

برای بررسی رابطه‌ی متغیرهای پیشینه‌ای (نوع فعالیت) با توجه به مقدار آماری F و سطح معناداری در جدول Anova با اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه‌ی تحقیق را تأیید کرد. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت میانگین نمره‌ی شادمانی بر حسب نوع فعالیت متفاوت است.

جدول ۱۰: میانگین نمره‌ی شادمانی افراد بر حسب جنسیت، وضعیت تأهل

متغیر	نوع آزمون	قضات	T	سطح معناداری
جنسیت	T نمونه‌های مستقل	تأیید فرضیه‌ی تحقیق	-۲/۱۱	۰/۰۳۵
وضعیت تأهل	T نمونه‌های مستقل	تأیید فرضیه‌ی تحقیق	۴/۲۲	۰/۰۰۰

برای بررسی رابطه‌ی متغیرهای پیشینه‌ای (جنسیت) با توجه به مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۰ در آزمون لون با فرض نابرابری واریانس‌ها و مقدار آماری T (-۲/۱۱) و سطح معناداری (۰/۰۳۵) نتایج نشان داد میانگین نمره‌ی شادمانی افراد بر حسب جنسیت متفاوت است به طوری که میانگین نمره‌ی شادمانی در زنان پایین‌تر از مردان است.

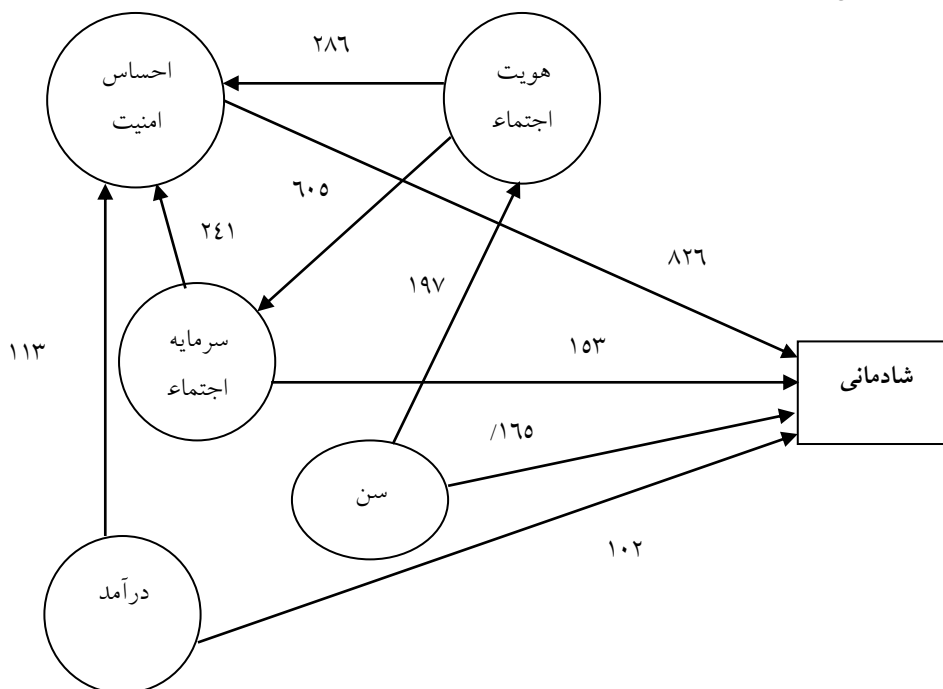
برای بررسی رابطه‌ی متغیرهای پیشینه‌ای (تأهل) با توجه به مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۰ در آزمون لون با فرض برابری واریانس‌ها و مقدار آماری T (۴/۲۲) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نتایج نشان داد میانگین نمره‌ی شادمانی افراد بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است. به طوری که نمره‌ی شادمانی در مجردان پایین‌تر از متأهلان است.

همان‌طور که در مدل مسیر مشاهده می‌شود:

اول- متغیر احساس امنیت اجتماعی به تنهایی اثر مستقیم خود را بر شادمانی در شهر کرمان نشان می‌دهد.

دوم- متغیر هویت اجتماعی به تنهایی اثر غیر مستقیم خود را بر شادمانی در شهر کرمان نشان می‌دهد.

سوم- متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی، سن و درآمد به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر شادمانی در شهر کرمان تأثیر گذارند.



بحث و نتیجه‌گیری

عدم وجود شادمانی افراد جامعه بویژه نسل جوان را به سمت آسیب‌های اجتماعی، انزوا و دور شدن از مشارکت و همکاری در فرآیند فعالیت‌های اجتماعی سوق داده، باعث می‌شود توان اجتماعی لازم را در پیشبرد اهداف نداشته باشند. در چنین شرایطی فرد امیدواری به آینده را از دست داده، کار را در حد انجام وظیفه جلو برده، از حرکت به

سمت توسعه‌ی کشور مایوس شده و در این فرآیند نقشی برای خود در نظر نمی‌گیرد. در نهایت ممکن است به دلیل همین افسردگی‌های ناشی از عدم نشاط و شادمانی برای فرار از واقعیت‌های تلخ به فعالیت آسیب‌شناختی از جمله اعتیاد روی آورند. می‌توان گفت منشأ اعتیاد و طلاق به افسردگی، عدم امید به آینده بر می‌گردد. شادمانی مفهومی ذهنی و فردی است، اما عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متعددی در تعیین میزان آن دخیل هستند، زیرا انسان موجودی اجتماعی است و زندگی‌اش در رابطه با دیگران معنا می‌یابد که در سطوح مختلف با او در ارتباطند.

در این پژوهش مشاهده شد که میزان شادمانی در بین افراد بالای ۱۸ سال در شهر کرمان در حد متوسط است. متوسط بودن و حتی پایین بودن میزان شادمانی در یافته‌های پژوهش‌های متعدد اظهار شده است. چلبی و موسوی و (۱۳۸۷)، وحیدا و همکاران (۱۳۹۳) و خوش فر (۱۳۹۲). یافته‌های تجربی این پژوهش نیز چنین پدیده‌ای را نشان می‌دهد.

نتایج نشان داد که بین احساس امنیت اجتماعی و شادمانی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. براساس نظریه‌ی مازلو نیازها دارای سلسله‌مراتب هستند؛ یک گروه نیازهای اساسی مانند نیاز به امنیت، غذا و محبت که با بقا و شکوفایی حیات انسانی در ارتباط هستند و گروه دیگر نیاز به خوبی، زیبایی و عدالت. تئوری نیازها نیز بر احساس امنیت اجتماعی به عنوان یک نیاز اساسی تأکید دارد. تئوری نیازها با بیان یک دسته نیازهای اساسی جهان‌شمول، تمایل مردم را به تجربه‌ی خوشبختی ذهنی در حد رفع نیازهایشان تبیین می‌کند و این ادعا را با ارائه‌ی فهرستی از شاخص‌های افراد شاد و ناشاد باز می‌شناساند. به عنوان مثال ویلسون (۱۹۶۷) تلاش کرد نیازهای جهان‌شمول را به واسطه‌ی قراین و همبسته‌های شادمانی کشف کند. بنابر باور ویلسون منابع و شرایطی که با شادمانی همبستگی دارند، بازتابی از نیازهای اساسی انسان هستند. باید گفت عدم ارضای نیاز احساس امنیت اجتماعی تا حد زیادی فرد را دچار مخاطرات روحی و روانی کرده و تشویق، نگرانی و نارضایتی از وضع موجود را برای وی در پی خواهد داشت.

این نیازها می‌تواند در ایجاد احساس آرامش دخیل باشد و فرد را به درجه‌ای از شادمانی برساند. تئوری نیازها با بیان یک دسته نیازهای اساسی جهان‌شمول، تمایل مردم را به تجربه‌ی خوشبختی ذهنی در حد رفع نیازهایشان تبیین می‌کند.

همزمان با رشد فیزیکی و اجتماعی شهرها بویژه در مناطق مرکزی و حاشیه‌ای شهرهای بزرگ جرایم و آسیب‌ها نیز افزایش یافته است. به طوری که با بالا رفتن اندازه و وسعت شهرها میزان جرایم بالا می‌رود و بر ابعاد کیفی و کمی آن افزوده می‌شود. تبعات منفی این افزایش، مسأله‌ی تنظیم روابط انسانی سالم و سازنده، ساکنان شهرها را با محیط زندگی‌شان با دشواری مواجه ساخته است و سبب شده است تا نظام اجتماعی شهرها در ایفای کارکردهای بنیادی و حقیقی خود دچار ابهام، مشکل یا مانع گردد. تمرکز روزافزون افراد در نواحی شهری و رشد سریع شهرنشینی ناشی از مهاجرت و همچنین افزایش طبیعی جمعیت، مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است؛ با این وجود از هر جامعه سالمی انتظار می‌رود که تمامی فعالیت‌های آن تا حد امکان در راستای بهبود احساسات جمعی قرار گیرد، ضمن اینکه نباید فراموش کرد که در مقابل با بهبود احساسات جمعی در ابعاد چهارگانه (علقه مادی، علقه امنیتی، علقه ارتباطی و شناختی) زمینه برای پویایی، شادمانی، سرزندگی و بالندگی جامعه و در نتیجه مقبولیت و مشروعیت برای نظام حاکم بر آن نیز فراهم خواهد شد. طبق این دیدگاه چنانچه هر کدام از چهار نظام اصلی بتوانند پاسخگوی مؤثر علقه‌های بروز (معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، در این صورت هر کدام می‌تواند موجبات نوعی «احساس مثبت» را که هر کدام زمینه‌ساز شادمانی افراد است فراهم نمایند؛ یعنی کارکرد صحیح حوزه‌ی اقتصادی تولید احساس بهبود و آسایش است. حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز هر کدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی و احساس عزت و احترام می‌شوند.

در قالب دیدگاه پارسونز نیز، اگر بپذیریم شادمانی افراد ناشی از کم و کیف عملکرد حوزه‌های چهارگانه‌ی نظام اجتماعی است، باید بلافاصله توجه داشته باشیم که پیامد

مثبت عملکرد هر حوزه‌ی جامعه تا حدودی موکول به عملکرد سایر حوزه‌هاست؛ یعنی توسعه‌ی متوازن و همگون هر چهار حوزه می‌تواند در سطح فردی سبب ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه شود.

در غیر این صورت، چه بسا توسعه‌ی ناموزون از جمله در برخی کشورهای در حال گذار، نه تنها موجب شادمانی نمی‌شود بلکه ناخرسندی اجتماعی را برای بیشتر افراد جامعه فراهم می‌نماید. برای نمونه در ارتباط با توسعه‌ی اقتصادی، برخی بیان می‌کنند چنانچه توسعه‌ی اقتصادی سبب انواع نابرابری اجتماعی شود و همزمان روحیه‌ی زیاده‌طلبی را همراه با اضطراب در میان افراد بالا ببرد، در این صورت پیامد آن چیزی جز ناخرسندی و نارضایتی افراد و گروه‌ها نخواهد بود.

افراد نیاز دارند که خود را بخشی از جریان کنش‌های موجود بدانند (ترنر، ۲۰۰۶: ۲۸۱). در این میان توجه به نقش سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم کانونی امروز علوم اجتماعی که ارتباط تنگاتنگی با حوزه‌ی روابط اجتماعی پیدا می‌کند دارای اهمیت است. به نظر می‌رسد در شرایط حاضر روابط اجتماعی که به تعبیر هابرماس و جبهی «ابزاری سازی» انسان به وجهی «ناطق بودن» او فائق آمده و روابط او را با هموعان و در سیر زندگی اجتماعی از سطح کنش ارتباطی که شکوفاکننده‌ی ماهیت انسانی اوست، به سطح کنش ابزاری تقلیل داده و به تعبیر ماکس وبر او را در «قفس آهنین» دنیای جدید زندانی کرده است، تنها اندیشه‌ای که قادر خواهد بود انسان را در آزادی از این قفس خودساخته رهایی بخشد، مفهوم سرمایه اجتماعی است و با توجه به اینکه احساسات در طبیعت بیولوژیک انسان تعیین نمی‌شوند و در طی تعامل، تفاوت‌های بین احساسات، گسترش می‌یابد و به طور مداوم از طریق رودرویی‌ها و ارتباطات باز تعریف می‌شود. مفروض قلمداد کردن نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر شادمانی در پژوهش حاضر بی‌تأثیر از این گرایشات نیست.

در این پژوهش سرمایه‌ی اجتماعی بعد از احساس امنیت اجتماعی قویترین و مؤثرترین پیش‌بینی‌کننده‌ی شادمانی است. این نتیجه به تمامی در راستای نتایج مطالعات قبلی است به گونه‌ای که ریچارد رز معتقد است سرمایه‌ی اجتماعی بیش از سرمایه‌ی انسانی (میزان

تحصیلات، درآمد و موقعیت اجتماعی فرد) در میزان شادمانی افراد جامعه مؤثر است. او که سرمایه‌ی اجتماعی را چگونگی شبکه‌ی روابط اجتماعی، دوستی‌ها، احساس کنترل شخصی و اعتماد اجتماعی می‌داند بر این باور است که شبکه‌های سرمایه‌ی اجتماعی به طور خاص در فراهم آوردن حمایت‌های عاطفی و روانی نقش مؤثری دارند (رز، ۲۰۰۰ به نقل از خوش فر، ۱۳۹۳: ۸۴).

انسان‌ها در همه موقعیت‌ها نیازمند آن هستند که احساس کنند: الف) رفتارهای دیگران قابل پیش‌بینی است. ب) واکنش‌های دیگران مطابق با رفتار فرد است، ج) واکنش‌های دیگران صادقانه است و د) واکنش‌های دیگران دلالت بر احترام به خود دارد. هنگامی که برای افراد این اجزای اعتماد در یک رویارویی تحقق پیدا کند افراد احساسات مثبت را تجربه می‌کنند (ترنر، ۱۹۹۸: ۴۴۷).

«احساس امنیت وجودی یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت است و در واقع به اطمینانی راجع است که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. احساس اعتمادپذیری اشخاص و چیزها که برای مفهوم اعتماد بسیار مهم است. برای احساس امنیت وجودی نیز اهمیت بنیادی دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

بر این مبنا در دنیای جدید اعتماد را همچنان که تئوری‌پردازان سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام، کلمن و لوری بیان کرده‌اند باید عنصری در نظر گرفت که از یک سو هزینه‌های مادی، روانی، عاطفی و اجتماعی تعاملات بین فردی افراد را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر نوعی اطمینان نسبت به آینده ایجاد می‌کند. بر این اساس وجود اعتماد، امنیت وجودی را تقویت کرده و به دنبال آن احساس امنیت در افراد افزایش یافته و نهایتاً سطح شادمانی نیز بیشتر می‌شود. اما با کاهش اعتماد اجتماعی و تقدم منافع فردی بر مصالح جمعی هنگامی که با مشاهده نابرابری‌هایی همراه شود که نامشروع باشند، کنشگران را دچار احساس بی‌عدالتی و به دنبال آن احساس خشم می‌کنند. در چنین شرایطی زمینه برای بروز ناخرسندی و ناشادمانی اجتماعی برای افراد بیشتر فراهم می‌شود.

با توجه به تئوری که دورکیم در زمینه‌ی خودکشی مطرح کرده و در آن به نقش میزان احساس انسجام، همبستگی اجتماعی و پیوند فرد در گروه پرداخته نیز می‌توان این واقعیت را مطرح نمود که هرچه فرد بیشتر در گروه جذب شده باشد و پیوندهای عمیق‌تری با گروه داشته باشد؛ احساس آرامش، خشنودی و شادمانی بیشتری می‌کند و برعکس عدم پیوند فرد با گروه باعث بروز انواع ناراحتی‌ها و کج‌روی‌های فردی می‌شود که ریشه در ناخشنودی و عدم شادمانی دارد.

انسان‌ها همیشه به دنبال تأیید خود در تعامل هستند. ترنر خود یا نفس را به عنوان یک هستی در نظر می‌گیرد که در سه سطح عمل می‌کند: الف) خود بنیادی. فرا موقعیتی که آمیزه‌ای از شناخت و عاطفی است که افراد از خودشان به عنوان یک شخص دارند و آن را در تعامل وارد می‌کنند، ب) هویت‌های خرد که در قلمروهای نهادی (به عنوان مثال، محل کار، خانواده، اجتماع و مدرسه) به کار می‌آیند. و ج) هویت‌های نقش که براساس موقعیت، اهمیت این ابعاد تفاوت می‌کند. تأیید خود قوی‌ترین نیاز است و هنگامی که خود تأیید شود، فرد احساسات مثبت را تجربه می‌کند (ترنر، ۱۹۹۸: ۴۴۷ به نقل از مقدس، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

هویت اجتماعی یکی دیگر از متغیرهایی است که در این پژوهش به صورت غیر مستقیم و در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی بر شادمانی تأثیرگذار است. گیدنز تشخص را همان مفهوم خود که طرفداران مکتب کنش متقابل نمادی برداشت می‌کند می‌داند به تعبیر وی «تشخص همان مفهوم خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی نامه‌اش می‌پذیرد. تشخص تداوم فرد در زمان و مکان می‌باشد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۵۶).

به نظر گیدنز هویت فردی در شرایط جدید با مسأله‌ای به نام «انزوای وجودی» مواجه شده که در نتیجه آن اساس تشخص او مورد خدشه قرار گرفته است. انزوای وجودی چندان ارتباطی با جدایی فرد از دیگران ندارد بلکه بیشتر معلول جدایی از منابع و سرچشمه‌های اخلاقی است که برای نوعی هستی رضایت‌بخش و پر و پیمان لازم به نظر می‌رسد. از نظر گیدنز هر چه جوامع به سمت تجدد و توسعه یافتگی می‌روند و

اجتماعات انسانی بزرگتر و با روابط پیچیده‌تر حرکت می‌کند و نظام‌های مجرد در آنها شکل می‌گیرد، «خود» و «هویت» افراد محدودتر می‌شود چرا که مکانیزم‌های حفاظتی افراد ضعیف‌تر می‌شود. می‌توان گفت تجدد چهارچوب حفاظتی جوامع کوچک سنتی را از جا کنده و آنها را با سازمان‌های بزرگتر و غیر شخصی‌تر جانشین کرده است در دنیایی که فاقد حمایت‌های روانی و احساس امنیت خاص جامعه‌های کوچک سنتی است، فرد خود را تنها و محروم احساس می‌کند.

بوزان امنیت اجتماعی را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در راستای حفاظت از الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت و عرق ملی شاخص‌سازی کرده و از این نگاه حفاظت از عناصر اصلی انسجام اجتماعی جامعه را شرط تحقق امنیت برای بقا و تداوم جامعه می‌داند.

بوزان بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می‌کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد.

در واقع آنچه باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آن کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که بنای تعریف اعضا از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باورها. ما احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است و از آن به عنوان «ما» یاد می‌کنند. حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد در واقع گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای احساس امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد.

یافته‌های حاصل از آزمون‌های دو متغیره، چند متغیره و تحلیل مسیر در این پژوهش نشان داد در بین متغیرهای مذکور محوریت با احساس امنیت اجتماعی بود. سایر متغیرها با اینکه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر شادمانی تأثیرگذار بودند ولی به صورت پیچیده‌ای در تعامل با متغیر احساس امنیت اجتماعی قرار داشتند.

منابع

- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- چلبی، مسعود و موسوی، محسن. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطح خرد و کلان. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی نهم، شماره‌ی یک و دو، صص ۳۴-۵۷.
- خوش فر، غلامرضا. (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر شادی جوانان شهر بابلسر، مجله‌ی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۵۱، صص ۲۸۳-۳۱۳.
- ربانی، رسول و دهقانی، حمید و خوش فر، غلامرضا و اکبرزاده، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سرمایه‌ی اقتصادی بر شادی جوانان، فصلنامه‌ی راهبرد فرهنگ، شماره‌ی ۱۲ و ۱۳، صص ۱۶۰-۱۸۲.
- ربانی، رسول؛ بهشتی، سید صمد. (۱۳۹۰). بررسی تجربی رابطه‌ی دینداری و رضایت از زندگی، مجله علوم اجتماعی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۲-۷۹.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش.
- شورای پژوهشی استانداری کرمان- دفتر امور اجتماعی و دفتر آموزش و پژوهشی استانداری کرمان. (۱۳۹۰). سند توسعه‌ی سلامت استان کرمان، کرمان ترسیم.
- صنعت خواه، علیرضا و دادخواه فر، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی نقش اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت و احساس شادمانی در دانشجویان مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان در سال ۱۳۹۳، مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۰۷-۱۲۴.
- کیا، علی اصغر و امیری، رقیه. (۱۳۹۲). بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۵-۶۴ سال اهواز، فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، شماره ۱۵، صص ۱۳۹-۱۷۷.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.

- معین‌الدینی، جواد و صنعت‌خواه، علیرضا و دادخواه فر، معصومه. (۱۳۹۲). سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر کرمان، مطالعات جامعه‌شناسی شهری (مطالعات شهری)، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ششم، صص ۵۷-۸۰.
- مقدس، علی اصغر و قدرتی، شفیعه. (۱۳۹۰). بررسی نقادانه نظریه‌های جامعه‌شناسی عواطف جانانان ترنر، تئودور کمپر و ادوارد لاولر، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره‌ی پیاپی ۴۲، شماره‌ی دوم، صص ۱۴۳-۱۶۶.
- وحید، فریدون و ودادهیر، ابوعلی و فرنام، محمد. (۱۳۹۳). نشاط عمومی در زندگی اجتماعی - فرهنگ شهر: مطالعه‌ای با رویکرد کیفیت اجتماعی در شهر اردبیل، مطالعات جامعه‌شناسی شهری، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱، صص ۱-۳۴.
- Anand, Paul and other, S (2011), Measuring welfare, Journal of Public Economic 95, 205-215 available at www.elsevier.com
- Cattarinussi, Bernardo (2000). Sentiments. In: Borgatta, Edgar. E. & Rhonola. J.V. Montgomery (eds). Encyclopedia of Sociology. Second edition Vol. 4, pp. 2518-29 U.S.A: McMillan-Reference.
- Chang, Wen-Chun (2009). "Social capital and subjective happiness in Taiwan", international journal of social Economic, Vol. 36, No. 8: 844-868.
- Gruber, Mauss, Tamir (2011), A Dark Side of Happiness? How, When, and Why Happiness is Not Always Good, Perspectives on Psychological Science, May, Vol. 6, 3: 22-233.
- Leung, A. Kier, C. Fung, T. Fung, L and Sproule, R (2010) "Searching for Happiness: The Importance of social capital", journal of Happiness Studies.
- Rosenteld, Richard., Messner, Stevenf, Ericp, 2001. "social capital and Homicide". Social forces, Vol no, Issue 1: 283-309.
- Snoep, Liesbeth (2008). Religiousness and happiness in three nations: A research note, Journal of happiness studies.
- Turner, Jonathan H (2006). Psychoanalytic sociological theories and emotion. In: Handbooks of the Sociology of Emotions. Edited by Stets, Jan E & Jonathan H.
- Turner, Jonathan. H. & Randall Collins (1989). Toward a Micro theory of structuring. In Theory building in sociology: Assessing theoretical cumulation. (ed.) Tumer, Jonathan. H. Sandiago: SAGE Publications.
- Veenhoven, Root (2005). Apparent Quality of life in Nations: How long and Happy people live?, Social Indicator Research, 71: PP. 61-86.